



## نفوذ و گسترش اسلام و تشیع در شبه قاره ی هند

پدیدآورده (ها) : گلی زواره، غلامرضا  
فلسفه و کلام :: درس‌هایی از مکتب اسلام :: بهمن 1395 - شماره 669  
از 40 تا 49  
آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1190693>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان  
تاریخ دانلود : 02/05/1397

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابراین، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [فوائین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

[www.noormags.ir](http://www.noormags.ir)

## نفوذ و گسترش اسلام و تشیع

### در شبه قاره هند

(۳)

در شماره گذشته (دیماه ۹۵) درباره ارادت مردم سند به اهل بیت و همراهی

مردم آن سامان با علویان مطالبی تقدیم کردیم و اینک ادامه مطلب:

#### استیلای شیعیان فاطمی بر هند

موجب گردید تا فاطمیان که به عنوان دولت شیعی در مصر مستقر بودند، از فرصت استفاده کنند و در اواسط قرن چهارم هجری بر مولتان هند مسلط شوند و رفته رفته تمامی سرزمین‌های سند، پنجاب و گجرات را عرصه تبلیغات خود قرار دهند. در این ایام خطبه به نام **خلیفه فاطمی مصر** خوانده می‌شد و سکه‌هایی نیز به نام آنان ضرب می‌گردید<sup>(۱)</sup>.

به سبب درگیری‌های داخلی در دستگاه خلافت عباسی، پیشرفت سیاسی و نظامی مسلمانان در شبه قاره هند تا اوایل سده پنجم هجری متوقف ماند و از حدود قندهار و کابل که به دست امیران صفاری از دست سلاطین هند بیرون آمده بود، تجاوز نکرد.

بعد از صفاریان نیز این ناحیه به علت دور بودن از مرکز حکمرانی بنی‌عباس، دست‌خوش منازعات حکام محلی مسلمان و هندو گردید و بی‌ثباتی اوضاع و ضعف حکومت‌ها

۱. احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، مقدسی، ص ۴۸۵-۴۸۱ و دایرة المعارف بزرگ اسلامی،

### نفوذ و گسترش اسلام و تشیع در شبه قاره هند

می‌گوید: «منصوره» قصبه سند و مرکز این سرزمین است. چهار دروازه دارد. نهری به دور شهر می‌گردد. مردمی شایسته و جوانمرد دارد. اسلام را در آنجا شکوفایی هست. دانشمندان بسیار، مردمانی باهوش، زیرک و بخشنده و بازرگانی پرسود دارد. هوایش ملایم، زمستانش آسان و بارانش بسیار است. میوه‌های متعدد دارد. مولتان مانند منصوره است، ولی آبادتر می‌باشد. زنا و میگساری در این شهر دیده نمی‌شود و هرکس مرتکب این منکرات شود، به شدت مجازات می‌شود. در هنگام خرید و فروش، دروغ نمی‌گویند. با ترازو و کیل، کم‌فروشی نمی‌کنند. غریب‌دوست هستند. اکثر مردم، عرب هستند. برکت بسیار دارد و نعمت فراوان است. فرمانروایان دادگرند و در بازار زن آراسته و آرایش کرده دیده نمی‌شود و کسی آشکارا با بانوان گفت‌وگو نمی‌کند. مردم مولتان

ج ۸، ص ۵۶۲.

مبلغان فاطمی، شیفته مذهب خود بودند. چون در زمره علما و دانشمندان به‌شمار می‌آمدند، در دفاع از عقاید خود، در مباحثه‌ها و هنگام معرفی مکتب خویش از تسلط و قدرت برخوردار بودند. هیشم برادرزاده یا خواهرزاده ابن حوشب منصور الیمان که در یمن فعالیت‌های ترویجی داشت، در سال ۲۷۰ق وارد سند شد.

بعد از او مبلغان دیگری به این ناحیه اعزام گردیدند.

در سال ۳۷۳ق **العزیز فاطمی** سپاهی به فرماندهی **ابن شیبان** به جانب مولتان اعزام کرد. مبلغان قبلاً زمینه را برای فتوحات وی مهیا ساخته بودند. سرانجام مولتان تسخیر شد و به نام امیر فاطمی در آنجا خطبه خوانده شد و سکه‌هایی نیز به نام او ضرب گردید. بت‌ها درهم شکست و مسجد قدیمی امویان متروک شد و در محل معبد، مسجدی بنا شد. **مقدسی** که دو سال بعد، از **منصوره و مولتان** بازدید کرده است،

ناصرالدین سبکتگین  
(۳۸۷-۳۶۶ق) موضوع تهاجم به  
جلگه‌های هند جهت به دست  
آوردن غنایم و برده‌های زیاد را بنیان  
نهاد. امیر وقت مولتان -جولم-  
پیمان متارکه متزلزلی را با وی منعقد  
ساخت. بعد از مرگ جولم فردی به  
نام حمید لودی روی کار آمد که از  
خویشاوندان جولم بود. حمید به  
منظور دفع خطر سبکتگین با وی  
معاهده‌ای بست<sup>(۲)</sup>.

اگرچه در سال ۴۰۰ق مولتان  
توسط محمود غزنوی تصرف گردید  
و شیعیان این دیار در تنگناهای  
بسیاری قرار گرفتند، اما رفته رفته  
قدرت آنان احیا شد و سازمان مخفی  
فاطمیان تا مدت زیادی فعالیت خود  
را ادامه داد.

شیعه‌اند و در اذان حی علی  
خیرالعمل را بیفزایند و بندهای اقامه  
را جفت آورند (دو بار می‌گویند).  
مالکی و معتزلی در آن جا نیست.  
حنبلیان نیز پایگاهی ندارند. آیینی  
پسندیده و راهی درست دارند. پاک و  
بی‌آلایش‌اند. خداوند ایشان را از  
غلو، تعصب، آشفتگی و فتنه‌انگیزی  
دور داشته است.

امیر مولتان با حاکمان شمال آفریقا  
رابطه‌ای دوستانه دارد و برای  
فاطمیان خطبه ایراد می‌نماید و جز به  
دستور وی، حل و فصل امور  
نمی‌کند. مکرر هدایا و پیک‌های وی  
به سوی مصر روان است و جز به  
مولتان، خلیفه فاطمی، حاکمی  
نگمارد. او فرمانروایی نیرومند و  
دادگر است<sup>(۱)</sup>.

امیر مولتان، استیلای خود را بر  
این قلمرو استوار ساخت، با  
همسایگان خود در نواحی شمالی که  
هندوشاهی بودند، روابط دوستانه‌ای  
برقرار کرد، ولی تهدید عمده از طرف  
غزنویان صورت می‌گرفت.

۱. احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ج ۱، ص  
۷۱۳-۷۰۴.

۲. زین الاخبار، ابوسعید عبدالحی، ص ۶۶،  
طبقات ناصری، ص ۷، گلشن ابراهیمی، ج ۱، ص  
۲۴-۲۵، شیعه در هند، ج ۱، ص ۲۳۸.

### نفوذ و گسترش اسلام و تشیع در شبه قاره هند

هرچند قوای مزبور شهر منصوره را به آسانی تصرف کردند، اما به سپاه غزنوی و تجهیزات و غنایمی که از سومنات غارت کرده بودند خسارات و ضایعات فراوانی وارد آمد. به رغم آن که منصوره بعد از تسخیر، توسط والیان غزنوی اداره می شد، برخی شیعیان که از زندان آزاد شده بودند در دستگاه‌های اداری قدرت را به دست گرفتند<sup>(۱)</sup>.

در دوران حکومت محمود غزنوی و لشکرکشی او به مولتان، شیعیان فاطمی به شدت تحت فشار قرار گرفتند و از صحنه‌های سیاسی و اجتماعی تقریباً حذف گردیدند، ولی آنان موفق شدند تا نیمه قرن پنجم هجری و در ایام فرمانروایی مسعود غزنوی، انسجام خود را در این ناحیه حفظ کنند و ظاهراً تا اواخر سده

همچنین شیعیان موفق گردیدند بازرگانی محلی را از راه خشکی درمولتان تحت کنترل خود درآورند، اما حکومت فاطمیان در شهر منصوره، مدت زیادی پابرجا بود. این شهر تا سال ۴۱۶ق تحت استیلای شیعیان قرار داشته است.

به نظر می‌رسد کارگزاران شیعی مولتان که هنگام تسخیر آن‌جا به دست محمود غزنوی - در سال ۴۰۱ق - از آنجا گریخته بودند به رؤسای قبایل شیعه در منصوره و برخی نواحی مجاور کمک کردند تا دولت مستقل شیعی را تشکیل دهند، اما مدتی نگذشت که آنان درگیر نبرد با غزنویان - که سومنات را تسخیر کرده بودند - شدند. در این زمان خفیف حاکم منصوره بود و با آن‌که قوای زیادی در اختیار داشت، ولی در برابر مهاجمان مقاومت نکرد و متواری شد و قبایل جات و مد را که در کرانه‌های رود سند اقامت داشتند، به نبردهای چریکی علیه غزنویان تهییج نمود.

۱. تاریخ هند، ام.اچ. الیوت، ج ۱، ص ۴۹۱ف  
تاریخ سند، ص ۲۸۱-۲۷۹، زین الاخبار، ص  
۶۶-۶۵، طبقات ناصری، ص ۱۱۶، شیعه در  
هند، ج ۱، ص ۲۴۲.

پراکنده در گجرات، سند و حوالی دهلی و غالباً با استراتژی تقیه، در قالب تلاش‌های تجاری، مشغول ترویج تعالیم خود و نشر اندیشه‌های این مذهب بودند<sup>(۱)</sup>.

#### غزنویان در هند

با تابش آفتاب اسلام به ایران و مسلمان شدن مردم این سرزمین، ایرانیان در اعتلا و گسترش این دین، از هیچ کوششی فروگذار نکردند.

یکی از نخستین گام‌ها برای توسعه اسلام، حضور سرداران مسلمان در لشکر بود. گسترش اسلام از طریق عرفای ایران و زبان و ادبیات فارسی در سرزمین هند استمرار یافت تا این‌که در زمان غزنویان، تحولات مهمی در این قلمرو به وجود آمد<sup>(۲)</sup>.

۱. تاریخ فرشته، ج ۱، ص ۲۸-۲۵، طبقات

ناصری، ج ۱، ص ۴۶۳، دائرةالمعارف بزرگ

اسلامی، ج ۸، ص ۵۶۳.

۲. «این قند پارسی که به بنگاله می‌رود»، سید

کمال‌الدین حاج سیدجوادی، روزنامه اطلاعات،

ششم هجری که معزالدین محمد غوری در سال ۵۷۲ق سند را به تصرف خود در آورد، شیعیان مزبور در این قلمرو قدرت و شوکتی داشتند.

گسترش فعالیت‌های ارشادی و تبلیغی پیروان اهل بیت در نواحی غربی هند به خصوص گجرات از همین زمان‌ها آغاز می‌شود و شیعیان بهره و حوجه که در اصل از طوایف راجی پوت بوده‌اند، تاریخ خود را به این دوره می‌رسانند.

گرچه تا اوایل قرن هفتم هجری، شیعیان مجال گسترده‌ای برای دعوت و تلاش‌های ترویجی داشتند و حتی در نیمه این قرن که مرضیه - دختر ایلشُمش - به فرمانروایی دهلی رسیده بود - در این شهر جنبشی برپا کردند، اما در همان وقت به شدت سرکوب شدند و اندکی بعد علاءالدین خلجی آنان را به کلی قلع و قمع کرد و از قلمرو حکومت خود بیرون راند. از آن پس، گروه‌های کوچکی از طایفه، شیعه به‌طور

### نفوذ و گسترش اسلام و تشیع در شبه قاره هند

دریافت کرد. سبکتگین در سال ۳۸۷ق درگذشت و پسر کوچکش اسماعیل جانشین وی شد. محمود -که برادر بزرگتر و لایق‌تر بود- تحمل اطاعت از برادر کوچک‌تر از خود را نداشت و بروی شورید و او را محبوس کرد و به جای پدر بر تخت سلطنت نشست.

از سرزمین هندوستان هیچ قلمرو مهمی به تصرف سپاهیان مسلمان در نیامده بود. مسلمانان بعد از تسخیر هرات در سال ۴۴ق به سوی کابل پیشروی کرده و به شهر مولتان در هند رسیده بودند، ولی این سفر هیچ‌وقت صورت تصرف دائمی پیدا نکرده بود. در قرن اول هجری دریانوردان عرب از جانب دریا تا دهانه رود سند جلو رفتند.

در اواخر این قرن، فرمانروای فارس و کرمان ولایت سند را از طرف ساحل تا مولتان مسخر کرد و حکام مسلمان، این ولایت را تا دو قرن

اولین امیر نام‌آور غزنویان که از ۳۵۱ تا ۵۸۳ق حکومت کرد ابواسحاق آلبتگین نام داشت که در آغاز، غلامی ترک بود و در روزگار **عبدالملک اول سامانی** به مقام حاجب‌سالاری رسید. او بعدها از فرمان **منصور بن نوح سامانی** سرپیچی کرد و غزنه را -که شهری در افغانستان است- مقر حکومت خود قرار داد. یکی از غلامان آلبتگین -که **سبکتگین** نام داشت و داماد وی نیز بود-، بعد از وی قدرتی کسب کرده و استقلالی به دست آورده بود و در غزنه به پادشاهی رسید.

سبکتگین قلمرو خود را از شرق و غرب گسترش داد. وی پس از تسخیر **قُصدار** در بلوچستان (پاکستان غربی)، **بُست** را به تصرف خود درآورد و بر هندوستان یورش برد و قبایل **رجپوت** را مغلوب کرد و شهر **پیشاور** را تسخیر کرد. پسرش -محمود- که در جنگ‌های پدر همراه او بود، از طرف امیر **نوح بن منصور سامانی** لقب **سیف‌الدوله**

چهاردهم بهمن ۱۳۸۸، ش ۲۴۶۸۱.

تحت حکومت خود داشتند. تسخیر هندوستان توسط رزمندگان مسلمان از راه سند صورت نگرفت، بلکه از طریق افغانستان انجام پذیرفت.

یعقوب بن لیث صفاری اولین امیر مسلمانی است که بر کابل دست یافت. بعدها آبتگین در شهر غزنه افغانستان، سلسله غزنویان را بنیان نهاد. لشکرکشی‌های محمود غزنوی به سرزمین هند از سال ۳۹۲ق تا ۴۱۶ق به طول انجامید.

در طول این بیست و چهار سال، وی هفده سفر جنگی به عنوان جهاد و غزا به هندوستان کرد که از جمله این یورش‌ها دوازده غزوه از همه مهم‌تر است.

محمود غزنوی از ۳۹۰ق تا ۳۹۳ق به ولایات مجاور هند تاخت و تاز کرد و چپال را -که از پادشاهان سلسله هندوشاهیان بود- مغلوب کرد و هوندحالیه، لغمان (واقع در شمال کابل) و پیشاور را فتح کرد و لقب غازی به عنوان جنگنده دین‌دار

گرفت. وی در سال ۳۹۸ق از رود سند عبور کرد و ولایات مولتان را که تقریباً در مُلتقای شاخه‌های سند است، تسخیر کرد. میان سال‌های ۴۰۲ تا ۴۰۴ق محمود موفق شد پنجاب و کشمیر را فتح کند و از ۴۰۹ تا ۴۱۰ق حملاتی به نواحی داخلی هند نمود و شهرهای معروف کنوج (قُنوج) را -که ساحل رود کنگ بود- تسخیر کرد. بزرگترین این لشکرکشی‌ها فتح شهر سومنات است که در سال ۴۱۶ق روی داد.

محمود، بت‌خانه سومنات را درهم شکست و با خود جواهرات بسیاری را که در آن معبد بود، به غزنین برد. او بر اثر این فتوحات، غنایم فراوان و اسرای بی‌شماری به دست آورد. محمود در لشکر خود گذشته از قوایی که از غلامان ترک تشکیل می‌شدند، از داوطلبانی که به عنوان غازی خوانده می‌شدند استفاده می‌کرد. محمود با همراهان خود -که از اقشار گوناگون مردم بودند- فرهنگ اسلامی و ادبیات



### نفوذ و گسترش اسلام و تشیع در شبه قاره هند

روزگاران **ابوالفرج بن مسعود رونی** است که عوفی زادگاه وی را لاهور دانسته است.

از جمله دانشمندان زمان محمود غزنوی **ابوریحان بیرونی** است که در سفرهای جنگی و جهادی او به سوی هند همراه وی رهسپار شد و کتاب بسیار مفید و باارزش **تحقیق ماللهند** را نگاشت که درباره فرهنگ و تمدن و آداب و رسوم هندیان مطالب مستند و معتبری دارد.

از شعرای زمان محمود غزنوی **عنصری بلخی، حکیم ابوالقاسم فردوسی و عسجدی** قابل ذکرند.

دبیر معروفش **ابونصر مُشکان** است که در تبدیل رسایل دیوانی از عربی به فارسی خدمت بزرگی به فرهنگ و ادب ایران کرده است. شاگرد **ابونصر مُشکان**، مورخ معروف، **ابوالفضل بیهقی**، صاحب تاریخ بیهقی - است<sup>(۱)</sup>.

۱. تاریخ ایران زمین، محمدجواد مشکور، ص ۱۸۵-۱۸۳، مأخذ قبل، بخش اول.

ایرانی را به شبه قاره هند برد، به گونه‌ای که در اواخر دوران غزنوی، **لاهور** مرکز علم، ادب، هنر و عرفان گردید و اهمیت به‌سزایی یافت و به غزنین ثانی معروف و مشهور گشت.

دربارها محل رفت و آمد ادیبان و دانشمندانی گردید که آثار خود را به زبان فارسی تألیف می‌کردند. **شیخ علی هجویری (متوفی ۴۸۱ق)** - صاحب کتاب **کشف المحجوب** - بعد از سال ۴۳۱ق وارد لاهور شد و

اولین اثر فارسی منثور و معتبر خویش را که صبغه‌ای عرفانی و اخلاقی دارد، از خویش به یادگار گذاشت. کتاب **کشف‌المحجوب** نخستین متن فارسی در شبه قاره هند به‌شمار می‌آید.

با حمایت غزنویان، نویسندگان، عالمان و اهل ادب و عرفان در این قلمرو درخشش چشم‌گیری یافتند و نخستین شاعر پارسی‌گویی که در این دوره در آن سرزمین زندگی می‌کرد، **رابعه بنت کعب قُزداري** است. اما اولین ادیب صاحب دیوان در این

دارای تنوع زیاد هند راه یافت و در طی قرون و اعصار، با عناصر بومی از فرهنگ هندی این سرزمین درآمیخت و در ادوار دیگر در سایر نقاط، رواج و گسترش یافت و به اوج اعتلای خود رسید و یکی از غنی‌ترین و شکوهمندترین تمدن‌های جهان را در این خطه پدید آورد<sup>(۱)</sup>.

بانو آنه ماری شیمیل - محقق معاصر اروپایی - می‌نویسد: غنایمی که محمود غزنوی از هند آورد از بین رفته است، اما آثاری که (هند) اصالت خود را مدیون لشکرکشی‌های او به سرزمین هند است، همچنان باقی می‌باشد. از جمله آن‌ها پژوهش‌های دانشمندی چون ابوریحان بیرونی می‌باشد که مدتی در هند اقامت گزید و از توانایی‌های علمی خود و نیز ذهن کنجکاو که داشت برای مطالعه و تحقیق در زندگی و افکار هندیان بهره

بنابراین جریان اصلی ورود اسلام به هند و گسترش آن در سراسر شبه قاره با فتوحات سلطان محمود غزنوی در پنجاب، سند و گجرات و سپس با انتقال مرکز حکومت غزنویان از غزنه به لاهور آغاز می‌شود.

لاهور از اواخر سده پنجم هجری تا اواخر دوران فرمانروایی غزنویان، نزدیک به یک قرن، یکی از مراکز مهم فرهنگ و ادب اسلامی و ایرانی بوده است. افزون بر هجویری - که در مسجدی که خود احداث کرده بود و به تعلیم و ارشاد مشتاقان معارف معنوی و اخلاقی اشغال داشت - شیخ حسین زنجانی در این دیار به ترویج تعالیم دینی و تربیت علاقه‌مندان مکارم اسلامی اهتمام ورزید. از شخصیت‌های دیگر، شیخ اسماعیل لاهوری نیز در آن جا فقه، حدیث و تفسیر قرآن تدریس می‌کرد. اسلام به عنوان نیروی فرهنگی و تمدن‌ساز در این زمان از لاهور به درون سرزمین پهناور، پرنعمت و

۱. دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۸، ص ۵۶۸-۵۶۷.

### نفوذ و گسترش اسلام و تشیع در شبه قاره هند

گردید. نام شیخ محمد اسماعیل بخاری لاهوری (متوفای ۴۴۸ق) - که قبل از فتح غزنویان به لاهور آمده بود-، با نام نخستین مسلمانی مترادف است که در بخش شمال غربی هند به تبلیغ و نشر اسلام و نقل احادیث پرداخت<sup>(۱)</sup>.

غزنویان که در فقه از مکتب حنفی پیروی می‌کردند، در دفاع از مذهب خویش تعصب‌های افراطی از خود نشان می‌دادند. به همین دلیل برای شیعیان ساکن هندوستان تنگناهای نگران‌کننده‌ای به وجود آوردند و حتی در سرکوبی آنان از هرگونه تلاشی کوتاهی نمی‌کردند و در تهاجم آنان به مولتان، افراد شیعه این دیار به شدت سرکوب شدند. با این وجود آنان مقاومت کردند و تا هنگام روی کار آمدن مسعود غزنوی، در این ناحیه باقی ماندند. حتی شیعیان در شهر منصوره فرمانروایی می‌کردند<sup>(۲)</sup>.

برد. محصول تلاش و تکاپوی علمی او نخستین تحقیق عینی است که تاکنون در زمینه فرهنگ هند صورت گرفته است. او استنباط عمیقی از مفاهیم فلسفی مکاتب مختلف فکری هندیان دارد و واقع‌بینی خویش را در این کوشش علمی و فکری نشان داده است، اما او در خلال این پژوهش‌ها، گرایش‌های اعتقادی خود را آشکار می‌سازد و خدای را سپاس می‌گوید که رسوم هندو از میان آنان که اسلام آورده‌اند، رخت بر بسته است.

و می‌افزاید: مشکل عمده در راه ارج نهادن بر هندوها نظام طبقاتی است که ما مسلمانان از این عارضه برکناریم. همه مردم را برابر می‌دانیم مگر در پارسایی و این؛ بزرگ‌ترین مانع است که راه هرگونه تقرب یا تفاهم را میان هندوها و مسلمانان مسدود می‌سازد.

با توسعه سلطنت غزنوی، لاهور -مرکز حکومت آنان- بعد از آن‌که آخرین شورش هندوها در ۴۲۲ق فرونشست به مرکز واقعی آموزش معارف و تعالیم اسلامی تبدیل

۱. کیهان اندیشه، ش ۲۳، ص ۶۳.

۲. شیعه در هند، ج ۱، ص ۲۴۰-۲۳۹.